

مقدمه

قوام و استواری هر چیزی به بنیاد و پایه‌های آن وابسته است؛ به گونه‌ای که اگر پایه چیزی برقرار نباشد موجودیت آن به خطر می‌افتد و تحقق خارجی نمی‌یابد، مانند بناهای محکم که بر پایه‌های خود استوارند یا درختان که بر ریشه‌های خود پابرجا هستند. علوم و دانشها نیز از این قانون کلی مستثنی نیستند؛ امروزه در دانشگاه‌های بزرگ، علوم پایه بنیادهای علمی سایر علوم شناخته شده و برای آن اهمیت به سزایی قائلند. در میان علوم اسلامی رشته فقه یکی از رشته‌های مهم علوم اسلامی است و مکلفان به یادگرفتن و عمل به آن تکلیف شده‌اند تا جایی که ابان بن تغلب از امام صادق (ع) نقل می‌کند که امام فرمودند: «لَوْ دَدْتُ أَنَّ أَصْحَابِي ضُرُّ بَتِ رُؤُوسِهِمْ بِالسِّيَاطِ حَتَّى يَتَفَقَّهُوا»¹، دوست دارم تازیانه بر سر اصحابم زده شود تا اینکه علم فقه بیاموزند و [و در دین دانا گردند].

اهمیت علم فقه از آن جهت است که سراسر زندگی انسانها، از بدو تولد تا هنگام مرگ را فرا گرفته و تکلیف آنان را مشخص کرده است. برای تحقق و گسترش این دانش علوم دیگری را باید فرا گرفت، از جمله علم قواعد فقهی. علم فقه عمدتاً بر این قاعده‌ها استوار شده است.

تعریف قواعد فقهی

قواعد فقهی قاعده‌هایی هستند که در طریق استفاده احکام قرار می‌گیرند، لکن نه به طریق واسطه بلکه به طریق انطباق و تطبیق مانند انطباق کلی طبیعی بر افرادش.² مجموع قواعد فقهی را می‌توان به پنج قسم تقسیم کرد:³

اول؛ قواعدی که در تمام ابواب فقه به حسب مدلول جاری است مگر اینکه مانعی از آن جلوگیری کند. از این قواعد است: قاعده «لاضرر» و قاعده «لااخراج» که به نام قواعد عامه نامیده می‌شوند.

دوم؛ قواعدی که به باب معاملات به معنای اخص اختصاص دارد و در غیر آن جاری نیست، مثل قاعده «تلف در زمان خیار»، قاعده «ما یضمن و ما لا یضمن» و قاعده «امین ضامن نیست».

سوم؛ قواعدی که اختصاص به ابواب عبادات دارد، مانند قاعده «لاتعاد» و قاعده «تجاوز و فراغ» و مشابه آن.

چهارم؛ قواعدی که به معاملات به معنای اعم اختصاص دارد، مثل قاعده «طهارت» و غیر آن.

پنجم؛ قواعدی که برای کشف موضوعات خارجی است که تحت ادله احکام قرار می‌گیرند، مانند «حجیت بینه» و «حجیت ذوالید».

و به طور خلاصه قاعده‌های فقهی مشتمل بر دو امر است: (1) اثبات حکم شرعی فرعی تکلیفی یا وضعی عام یا نفی آن، (2) شیوع آن در جمیع ابواب فقه یا ابواب مسائل مختلف فقهی مانند قضا؛ البته ممکن است برخی از این قاعده‌ها به یک معنا قاعده اصولی هم باشد. در این کتاب به بیست و پنج قاعده فقهی اشاره شده است، که در دانشگاه به ترتیب سرفصلها در حد ظرفیت دانشجویان مورد تدریس قرار گرفته است.

¹ . اصول کافی؛ ج 1، ص 31، کتاب فضل علم، ح 8.

² . القواعد الفقهیه؛ مکارم؛ ج 1، ص 26.

³ . محاضرات؛ ج 1، ص 8.